کوتاه از دیپلماسی

ظریف:

نشانه‌های مثبت هم در منطقه هم در وین

● وزیر خارجه ایران در پایان سفرهایش به چهار کشور حوزه خلیج فارس در توییتر نوشت: «هم‌زمان با آنکه معاون وزیر امور خارجه، عباس عراقچی، با شایستگی رهبری گفت‌وگوها برای احیای برجام را بر عهده دارد، من بازدیدم از کشورهای حاشیه خلیج فارس را با دیدار از کویت و ملاقات با نخست‌وزیر شیخ صباح الخالد و وزیر خارجه دکتر شیخ احمد ناصر پایان می‌دهم. تمرکز بر طرح صلح هرمز (امید) برای منطقه‌مان بود. نشانه‌های مثبت در هر دو مسیر (وین و منطقه) به چشم می‌خورد». او همچنین در توییتی به زبان عربی تصریح کرد: «پنج روز را در چهار پایتخت عربی همسایه سپری کرده و گفت‌وگوهای مثمرثمری را با عزیزان و برادرانمان به انجام رساندم. همگی درباره آینده‌ای روشن و امیدوارکننده برای منطقه، به سمت ایجاد روابط دوجانبه مستحکم و روابط منطقه‌ای سازنده در حرکت هستیم».

ولادیمیر پوتین:

امیدواریم مسائل برجام به چارچوب پیشین بازگردند

● **ایسنا:** رئیس‌جمهور روسیه نسبت به بازگشت مسائل مرتبط با توافق هسته‌ای به چارچوب اولیه خود ابراز امیدواری کرد. به گزارش بخش روسی خبرگزاری ریانووستی، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه روز جمعه نسبت به بازگشت مسائل مربوطه به توافق هسته‌ای به چارچوب پیشین خود ابراز امیدواری کرد. پوتین با اشاره به اینکه ایران یکی از کشورهای مجاور دریای خزر است، گفت: «امروز ما در خصوص مسئله بسیار مهمی، یعنی شرایط در منطقه دریای خزر، گفت‌وگو می‌کنیم. نگرانی‌های امنیتی این منطقه منافع روسیه را تهدید می‌کند». رئیس‌جمهور روسیه همچنین بیان کرد: «هم‌اکنون مشکلات زیادی پیرامون برنامه هسته‌ای ایران در حال حل‌وفصل‌شدن هستند. من امیدوارم که تمامی مسائل مرتبط به برجام به چارچوب پیشین خود بازگردد و ما -از جمله در منطقه دریای خزر- بتوانیم روابط همه‌جانبه‌ای را با تمامی طرفین باشگاه دریای خزر بسازیم تا تمامی نقشه‌هایی را که در سر داریم، اجرائی کنیم».

سخنگوی وزارت خارجه تبیین کرد

استقبال ایران از تغییر لحن عربستان

● **ایلنا:** سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به پرسشی درباره اظهارات اخیر ولیعهد عربستان درخصوص مناسبات ایران و عربستان و منطقه، اظهار کرد: «با دیدگاه‌های سازنده و روش گفت‌وگومحور، این دو کشور مهم منطقه و جهان اسلام می‌توانند با پشت‌سرگذاشتن اختلافات، وارد فصل تازه‌ای از تعامل و همکاری برای نیل به صلح و ثبات و توسعه منطقه‌ای شوند». سعید خطیب‌زاده افزود: «جمهوری اسلامی ایران با ارائه پیشنهادها و طرح‌هایی برای گفت‌وگو و همکاری در منطقه خلیج فارس از جمله پویش صلح هرمز (ابتکار امید) پیشگام مسیر مودت و همکاری منطقه‌ای بوده و از تغییر لحن عربستان سعودی استقبال می‌کند. خطیب‌زاده ابراز امیدواری کرد که «ماه مبارک رمضان ماه رحمت و مغفرت الهی» سرآغازی مبارک برای هم‌گرایی جامعه اسلامی و زدودن جنگ و آوارگی و ناامنی از این منطقه باشد.

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا:

تمرکز وین، عمدتا بر گام‌های واشنگتن است

● **ایلنا:** ند پرایس، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، گفت که مذاکراتی که برای بررسی احیای برجام در وین درحال انجام است، عمدتا روی گام‌هایی که واشنگتن باید بردارد، متمرکز است. او همچنین گفت که در این مذاکرات پیشرفت‌هایی حاصل شده ولی تا رسیدن به موفقیت، مسیری طولانی در پیش است. پرایس همچنین گفت که هیئتی از مقام‌های بلندپایه آمریکایی، در روزهای آینده برای رایزنی درباره مسائل مربوط به امنیت ملی و تلاش برای تنش‌زدایی در خاورمیانه به منطقه سفر می‌کنند.

نگاهی به شناسایی نسل‌کشی ارامنه ازسوی آمریکا

صفحه شطرنج جدید در معادلات منطقه

سالار سیف‌الدینی: رئیس‌جمهور آمریکا در ۲۴ آوریل ۲۰۲۱ برای نخستین‌بار به‌طورشفاف از واژه ژنوساید برای قتل‌عام ارامنه در ۱۹۱۵ استفاده کرد. حدود ۳۰ کشور، ژنوساید را تا امروز به رسمیت شناخته‌اند. نام دو کشور خاورمیانه‌ای، یعنی سوریه و لبنان، در صدر فهرست است. کشورهای بی‌طرفی مانند سوئیس و سوئد سال‌ها پیش به این جرگه پیوسته بودند. از میان کشورهای عضو ناتو یا اتحادیه اروپا، غیر از بریتانیا (که به‌طور سنتی حامی پان‌ترکیسم بود) تقریبا همه کشورهای ژنوساید را به رسمیت شناخته‌اند. حتی روسیه، دوست تازه ترکیه، از سال‌ها قبل در این فهرست بود و حتی انکار آن را جرم تلقی می‌کند. آمریکا نیز در دو مقطع (دوره جانسون و ریگان) به این مسئله نزدیک شده بود اما گام مؤثری برنداشت ولی پس از جنگ سرد که ارزش ژئواستراتژیک ترکیه کاهش و موقعیت قرارگاهی آن به‌عنوان تنها کشور ناتو که با شوروی هم‌مرز بود، از میان رفت، به‌تدریج فرازوفرودهای رابطه دو کشور بیشتر شد.

چرخش در سیاست خارجی

پس از ۱۱ سپتامبر آمریکا به این نتیجه رسید که ارتش به دلیل کُردهراسی ذاتی‌اش در سرنگونی صدام و حمله به عراق یکدلی نخواهد کرد. زیان اقتصادی و ژئوپلیتیکی ترکیه پس از جنگ اول خلیج فارس (دوره اوزال) نقش مهمی در اکراه ارتش از همکاری با حکومت بوش داشت. درنهایت آمریکا به این تحلیل رسید که با احزابی مانند آک پارتی همکاری آسان‌تری در نظم جدید منطقه می‌توان صورت داد. همکاری استراتژیک دو کشور با انقلاب‌های عربی شدت گرفت. هدف، ارائه الگوی اسلام‌گرایی میانه دربرابر بنیادگرایی نوظهور در خاورمیانه بود. ولی در سال ۲۰۱۶ دو اتفاق مهم در ترکیه رخ داد. نخست تصفیه امل گسترده‌ترین شبکه « ناتوگرا» یعنی جنبش گولن از ساحت ساختار سیاسی بود که به‌طور طبیعی موازنه داخلی را به نفع نیروهای اوراسیاگرا تغییر می‌داد و دیگری روی‌کارآمدن ترامپ در ایالات متحده که با سیاست «نخست آمریکا»، دستور کار کاهش دخالت در خاورمیانه را بر روی میز داشت. خلأ قدرت ناشی از پرهیز آمریکا از مداخله در خاورمیانه از سوی ترکیه پر شد. هر سه عملیات بزرگ نظامی برای استقرار در شمال سوریه و عراق، حضور در لیبی و جنگ قراباغ محصول این دوران چهارساله بود. طبعا لازمه چنین برنامه‌ای در سیاست خارجی تغییر در دکترین‌های پیشین یعنی عبور از «قدرت نرم» به «قدرت سخت» بود. سیاست «تنش حداقلی با همسایگان» و دکترین «صلح در کشور؛ صلح در جهان» حتی پیش از این کنار گذاشته شده بود. ناگفته پیداست که پیش‌نیاز پیشبرد سیاست خارجی تهاجمی، تطبیق سیاست داخلی با آن و همراهی با نیروهای همسو در پارلمان بود. برای این استراتژی نیز پان‌ترکیسم، مکمل مطلوبی برای نوعثمانی‌گری ارزیابی شد. ازاین‌رو دولت باغچلی یک‌باره از اپوزیسیون به شریک اقتدار سیاسی ارتقا یافت.

ولی در فضای دولت‌ملت‌های شکننده خاورمیانه با مرزهای مصنوعی و حفره‌هایی مملو از شبه‌دولت‌ها -که همگی در مناطق قومی مختلط یا مورد مناقشه حاکمیت دارند- ایدئولوژی‌های افراطی، مانند بنزین روی آتش است. به‌ویژه اگر قبلا در کنار دست‌وپاکردن یک

مکتب فکری تهاجمی، میدانی از شبکه‌های متعدد متشکل از پیروان خشن، دست‌وپا شده باشد. به‌طور طبیعی نخستین قربانیان این وضعیت کردها، ارمنی‌ها و یونانی‌ها خواهند بود. نگاهی به سریال‌های سیاسی در شبکه‌های دولتی، نشان می‌دهد که این سه گروه به‌طور آشکاری در سیمای دشمن بازنمایی می‌شوند.

منطق فلسفی تقبیح نسل‌براندازی

اردوغان و بیشتر سیاست‌مداران ترکیه مدعی‌اند نباید یک مسئله «تاریخی» که مربوط به گذشته است، ابزار دست سیاست‌مداران باشد. شاید این سخن در نگاه نخست منطقی باشد اما دعای اردوغان برای شادی روح «انورپاشا» و «نوری پاشا» در رژه پیروزی باکو یا احیای خاطره جمال و طلعت‌پاشا به‌عنوان قهرمان در جامعه، نشان می‌دهد که احتمالا این مسائل، چندان نیز مربوط به گذشته نیست؛ چراکه اگر سخن از امر ماضی باشد، قصابانی از این سنخ (که حتی ازسوی آتاترک به‌دلیل بدنامی از کشور اخراج شده بودند)، اصولا نباید تبدیل به بخشی از کدها و ریتوریک سیاسی ترکیه مدرن می‌شدند. هنگامی‌که حکومت‌ها و سیاسیون واقعیتِ یک رویداد ناظر به نسل‌براندازی را «انکار» می‌کنند، مقصود آنها سخن‌گفتن در قلمرو امر تاریخی نیست بلکه این موضع -دست‌کم از منظر سیاسی- به‌عنوان اعلام منظوری حول استحقاق قربانیان نسبت به سرنوشتِ پیش‌آمده تلقی می‌شود. ازاین‌رو در جهان امروز هیچ سیاست‌مداری به این وادی خطر نمی‌کند. هم ازاین‌رو بود که موضع سران آنکارا از جمله اردوغان نسبت به ژنوساید تا سال ۲۰۱۴ رویکردی خردمندانه و همراه با همدردی و به چالش نکشیدن آن بود.

شاید رهبران طرازاول مستقیما جملاتی در خصوص «استحقاق قربانیان» به زبان نرانند اما لایه‌های زیرین به‌روشنی در این مورد صحبت خواهند کرد و ماهیت دوگانه انکار را افشا می‌کنند. از قضا یکی از نمایندگان با سابقه ولی افراطی پارلمان در موضعی مرتبط نوشته است: «ارامنه در جنگ جهانی از پشت به ما خنجر زدند، اگر امروز نیز چنین اتفاقی رخ دهد، همان کار را تکرار خواهیم کرد». مجموع این گفتارها معنی‌دار و رفتارهای دوگانه این نگرانی را تولید کرده است که شاید ترکیه چندان فاصله‌ای با تکرار تاریخ و «امر ماضی» نداشته باشد.

درست در همین نقطه است که منطق فلسفی شناسایی جنایت علیه بشریت به‌ویژه از نوع نسل براندازی اهمیت خود را بازمی‌یابد. زیرا اگر این رویدادها به‌ویژه در محیط شکننده خاورمیانه به‌طور پیوسته تقبیح نشوند، تمدن به درجات پایین‌تری -مشابه آنچه در دوران چنگیز و تیمور بود- سقوط خواهد کرد و «اعتیاد به قتل‌عام» در احزاب و افرادی مانند آن نماینده پارلمان و حزبش وسوسه‌برانگیز خواهد بود.

واکنش ترکیه

شاید برخی کارشناسان در آنکارا این پیام تهدیدگونه را به واشنگتن مخابره کنند که ممکن است ترکیه در واکنش به بایدن محدودیت‌هایی در اینجرلیک ایجاد یا اقدام به فعال‌سازی اس-۴۰۰ کند اما سخنرانی اردوغان در ۲۷ آوریل نشان داد که آنکارا مانند همیشه تلاش خواهد کرد اختلافات را با آمریکا به‌گونه‌ای مدیریت کند که همه رشته‌های پیوند پاره نشود. زیرا دست بایدن خالی از کارت‌های مهم دیگر مانند رضا ضراب، حقوق بشر، سیستم دفاعی، تحریم و... نیست و منابع تنش در روابط میان دو کشور کم نیست. درواقع بایدن چیزی غیر از برگ برنده در دست ندارد. سابقه حمایت او از کردهای سوریه دردسری است که در ادلب منتظر ترکیه است. اگرچه موضع کنونی او درباره مسئله قبرس که ترکیه در شمال آن یک حکومت خودخوانده (شبه‌دولتی دیگر در گسل خاورمیانه-مدیترانه شرقی) پدید آورده فعلا مبهم است اما اگر برای تحلیل به اصل «استحصاب» متوسل شویم، باید گفت مواضع گذشته بایدن آنکارا را خشنود نخواهد کرد. جنس سیاست ترکیه در رقابت مدیترانه شرقی و مسائل مربوط به معاهده مونترو و تنگه‌ها نیز صفحات دیگر از دفتر اختلافات خواهد بود.

وضع سایر بازیگران در صفحه شطرنج

نکته جالب‌توجه در این میان «دِین» جدیدی است که باکو باید در نسبت با ترکیه به آن وفادار باشد. باکو به‌طور سنتی مایل است رابطه خود را با غرب حفظ کند. اما نزدیکی بیش‌ازحد به ترکیه باکو را ناچار از ایفای نقش حامی در مناقشات متعدد میان ترکیه و غرب خواهد کرد. به نظر می‌رسد شانه خالی‌کردن از بار این دین فعلا ممکن به نظر نمی‌رسد. الهام علی‌اف نخستین کسی بود که زنگ تلفن اردوغان پس از بیانیه بایدن را شنید. بلافاصله بیانیه‌هایی ازسوی وزارت خارجه و ریاست‌جمهوری این کشور در حمایت از ترکیه و سرزنش آمریکا صادر شد. اگر قرار باشد که این همدلی و یک‌جهتی در سایر موارد -که زنجیره‌ای از تنش‌ها را شامل می‌شود- تداوم یابد، چالش‌های مهمی چشم‌به‌راه برادر کوچک‌تر است.

در این شطرنج جدید، ایران سعی خواهد داشت وضع مناسب را پیدا کند. یافتن خانه مناسب در این شطرنج مانند پیاده‌روی با چوبی از جنس موازنه، روی طناب است. لغو قرارداد اف۳۵ از به‌هم‌خوردن تعادل قدرت در منطقه جلوگیری کرد و نتایج حاصل از واگرایی دو کشور ایران را ناراحت نمی‌کند. اگرچه ایران به‌درستی مایل نیست به نفع هیچ‌کس وارد «ماهیت» این تنش‌ها شود اما «شکل» وضع ایجادشده در مناسبات جدید نیروها، به ضرر تهران نخواهد بود.

نگاهی به محکومیت نسل‌کشی ارمنیان توسط دولت آمریکا

اقدام بایدن، فشارها به ارمنستان را افزایش خواهد داد

علی کسیری: تنش‌ها در روابط ترکیه با غرب، به‌ویژه از سال ۲۰۲۰ و در پی خرید سامانه پدافند اس ۴۰۰ روسی بالا گرفت. دولت ترکیه همچنین در سال ۲۰۲۰، با فعالیت حساسیت‌برانگیز کشف و حفاری گاز در آب‌های مدیترانه، لغو کاربری موزه مسجد ایاصوفیه، درگیری لفظی با امانوئل مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه بر سر حقوق مسلمانان، اتخاذ مواضع حساسیت‌برانگیز در مناقشه قبرس و در نهایت، ورود به جنگ قره‌باغ در حمایت از طرف آذری، تنش‌ها با غرب را تشدید کرد.

به‌طورکلی به نظر می‌رسد، موفقیت دولت اردوغان در توسعه قدرت اقتصادی ترکیه، وی را مجاب به افزایش قدرت میدانی ترکیه کرده است. نوع بازی دولت اردوغان، به‌ویژه تلاش ترکیه برای دستیابی به منابع انرژی در لیبی و شمال سوریه، تمایل دولت ترکیه به افزایش روابط با دولت پاکستان (به‌عنوان قدرت اتمی و صاحب فناوری‌های نظامی)، یکدست‌سازی قدرت در داخل ترکیه و مسائلی از این دست، حاکی از آن است که دولت ترکیه، برنامه‌ای جدی، برای افزایش قدرت ترکیه در مناسبات نظام جهانی در پیش گرفته است.

به غیر از تشدید تنش‌ها در روابط ترکیه با غرب، دولت ترکیه همچنین از روابط پرتنشی با سه قدرت عربستان سعودی (محور مَدخلی)، ایران و روسیه برخوردار است. دراین‌بین، تنش‌ها در روابط ترکیه و روسیه بسیار جدی است و از سال ۲۰۲۰ و در پی حمایت ارتش روسیه از کُردهای جدایی‌طلب سوری، در برابر حملات ارتش ترکیه به شمال سوریه، دو طرف روسی و ترکی را در بسیاری از مناقشات در برابر هم قرار داده است؛ ازجمله جنگ سوریه، جنگ لیبی، جنگ اوکراین، مناقشات بالکان و جنگ در قره‌باغ و ارمنستان.

جنگ در قره‌باغ درست در امتداد دامنه تنش روسیه و ترکیه در شمال سوریه، در سپتامبر ۲۰۲۰ به وقوع پیوست. دولت ترکیه در پاسخ به حمایت دولت روسیه از جدایی‌طلبان کرد سوری، دامنه جنگ را به ارمنستان و منطقه تحت نفوذ روسیه در قفقاز جنوبی کشاند و توانست که در مدت زمانی کوتاه، با اخراج نسبی طرف ارمنی از قره‌باغ، توافق سنگینی را به طرف ارمنی تحمیل کند.

نوع سیاست دولت ترکیه در قبال ارمنستان، حاکی از آن است که از منظر دولت ترکیه، مناقشات ارمنستان و آذربایجان چیزی بیش از کارت فشار ترکیه در تقابل با روسیه نیست. بااین‌حال اما انتظار می‌رود با افزایش تنش‌ها میان ترکیه و آمریکا و اقدام دولت بایدن در محکومیت نسل‌کشی ارمنیان و درنهایت تشکیل ائتلاف ضدترکی میان روسیه، آمریکا، ارمنستان، کردستان و یونان، در مقابل فشارهای ترکیه را به ائتلاف ضدترکی، به‌ویژه بر علیه کردستان و ارمنستان افزایش دهد. فشارها به کردستان مدت‌هاست که افزایش یافته است. با توجه به شکل‌گیری دو اقلیم کردی در جنوب ترکیه و تقویت انگیزه جدایی‌طلبان کرد در ترکیه برای تشکیل سومین اقلیم کردی در شرق ترکیه، دولت ترکیه از اواخر سال ۲۰۱۶، برنامه‌ای جدی برای کنترل جدایی‌طلبان کرد در دو منطقه شمالی عراق و سوریه و همچنین مهار نیروهای پ‌ک‌ک در ترکیه را آغاز کرده است. حمله ترکیه به منطقه الباب در سال ۲۰۱۷، حمله به منطقه عفرین در سال ۲۰۱۸، حمله به شمال سوریه در سال ۲۰۱۹ و همچنین سلسله حملات ترکیه به منطقه شمالی اقلیم کردستان عراق از این دست هستند.

حال و با محکومیت نسل‌کشی ارمنیان توسط دولت بایدن و تقویت مواضع ارمنی در مناقشه ارمنستان غربی، انتظار می‌رود که فشار ترکیه به ارمنستان نیز افزایش یابد. در این بین، اگر دولت ارمنستان تحت تأثیر هیجان داخلی و در یک خطای محاسباتی، به ائتلاف ضدترکی بپیوندد، بدون شک ارمنستان ضعیف را مانند کردستان به جولانگاه ارتش ترکیه تبدیل خواهد کرد. به‌ویژه که انفعال طرف ارمنی در ایجاد کریدور آذربایجان، نخجوان (مورد توافق طرفین آذری و ارمنی در آتش‌بس اخیر قره‌باغ) شرایط را برای تشدید فشارها بر ارمنستان و اشغال منطقه سیونیک (زنگه‌زور) توسط ائتلاف ترکی مهیا کرده است.

بدیهی است که دولت ارمنستان، پیش از اتخاذ هر تصمیمی در قبال ترکیه باید شش نکته مهم را در نظر بگیرد.

یک: ارمنستان از وزن کافی برای تقابل با ترکیه برخوردار نیست.

دو: دولت ترکیه از توان کافی برای تحریک جدایی‌طلبان چچنی و داغستانی برخوردار است و به‌سادگی می‌تواند دولت روسیه را در زمین روسیه درگیر کند. در نتیجه دولت روسیه از توان کافی برای حمایت از ارمنستان در تقابل با ترکیه برخوردار نیست.

سه: دولت ترکیه با توجه به مجموعه شرایط، ازجمله منافع دولت گرجستان در همکاری با محور ترکی به‌سادگی می‌تواند که ارمنستان را در چهار جبهه غربی، شمالی، شرقی و جنوبی محاصره کند و مانع از رسیدن سوخت و تجهیزات حیاتی به ارمنستان شود.

چهار: دولت اردوغان، برخلاف آنچه گفته می‌شود، از اعتبار داخلی بالایی برخوردار است و کماکان در قدرت باقی خواهد ماند. بنابراین امید به سقوط اردوغان خیال باطلی است.

پنج: دولت ترکیه از ابزارهای کافی برای فشار به آمریکا برخوردار است و در نتیجه انتظار حل‌وفصل مناقشات ترکی آمریکایی دور از ذهن نیست.

شش: طرف ارمنی باید این نکته را خوب بداند که هیچ دولتی در جهان، مسئولیت کشتار مردم توسط نیروهای شبه‌نظامی، همچون داعش را بر عهده نخواهد گرفت و دولت ترکیه به‌سادگی می‌تواند نیروهای نیابتی و شبه‌نظامی را به خاک ارمنستان گسیل کند.

بنابراین ورود ارمنستان ضعیف به ائتلاف ضد ترکی، بزرگ‌ترین خطای محاسباتی تاریخ معاصر دولت ارمنستان خواهد بود که درنهایت ارمنستان را به قربانگاه تقابل ترکیه و روسیه خواهد برد. با این تفاسیر بهترین سیاست برای دولت ارمنستان، اعلام بی‌طرفی در تمام مناقشات ترکی، روسی و همچنین مناقشات ترکی آمریکایی است. دولت ارمنستان همچنین باید که با دعوت از نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد برای حضور در ارمنستان، ضریب رخداد جنگ در خاک ارمنستان را به حداقل ممکن کاهش دهد.

با توجه به استعفای نیکول پاشانیان، تحت فشار اپوزیسیون ارمنی، به نظر می‌رسد که باید منتظر به‌قدرت‌رسیدن یک دولت ملی‌گرای ارمنی طرفدار روسیه در ایروان بود. دولتی که متأسفانه تحت تأثیر فضای هیجان‌زده ایروان از تقابل با ترکیه استقبال خواهد کرد. سیر تحولات از منظر منافع ایران نیز در دو حالت قابل‌تعریف است.

یک: انتظار می‌رود با توجه به تشدید تقابل ترکیه با غرب و روسیه و همچنین تشدید تقابل آذربایجان و ارمنستان در ماه‌های آینده، شرایط برای بروز فعالیت بیشتر مهیا شود.

دو: هرچند تشدید تنش در روابط ترکیه و روسیه، به‌ویژه در قفقاز یک تهدید برای منافع ایران به‌شمار می‌آید اما از سوی دیگر، فضای دوقطبی حاکم بر قفقاز، می‌تواند که فرصت حضور ایران در مناقشات قفقاز و کردستان را مهیا کند. به‌طوری‌که ایران می‌تواند با توجه به نفوذ در منطقه قفقاز و در قالب میانجیگر وارد سیر تحولات شود و در موقعیت سومین قطب، فضای دوقطبی حاکم بر قفقاز را تعدیل کند و منافع ایران را تأمین کند.

«در کتاب ایران تنها قربانی سیاست‌های آمریکا نیست، مسئله افزایش فشار دولت آمریکا به ترکیه و همچنین محکومیت نسل‌کشی ارمنیان توسط دولت آمریکا، پیش شده بود».

www
shargh
daily
ir

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور موادا۳و۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ و برابر رای شماره۱۳۹۹۶۰۳۱۰۰۲۳۵۹۸...مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۱...هات قانون تعیین تکلیف .....موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی ....جمستان..... تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای/خانم...محسن خوشبین ....فرزند.....غلامرضا ....نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی / به مساحت .....۱۴۸.۱۲ متر مربع به شماره پلاک ...۱۹۱....فرعی از ....۳۶.... اصلی واقع در ...قریه شیخ علی کلا...بخش...۱۱...خریداری شده از آقای /خانم...حسین شهریارپور مالک رسمی محرز گردیده است لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی /کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصادق تا در صورتیکه اشخاص دیگر به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و درروستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. م الف ۱۹۹۱۱۳۱۹

تاریخ انتشار نوبت اول.. ۱۴۰۰.۰۱.۲۸تاریخ انتشار نوبت دوم. ۱۴۰۰.۰۲.۱۱

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک چمستان- عین اله تیموری

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب **اصغر رسولی** فرزند اکبر به شماره شناسنامه ۶۱۵۸ و کدملی ۲۶۷۷۵۸۱۸۹۲ صادره از صومعه سرا در مقطع کارشناسی رشته حقوق صادره از واحد دانشگاهی بندرانزلی طالب آباد با شماره ۱۷۱۴۱۰۸۱۱ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد طالب آباد به نشانی بندرانزلی، طالب آباد ارسال نماید. و یا با شماره ۰۹۱۱۱۸۳۵۹۴۰ تماس بگیرند.

برگ سبز و سند کمپانی **خودرو سایپا 131SL** رنگ بژ متالیک مدل ۱۳۹۰ به شماره پلاک ایران ۶۶_۷۷۸ ی ۴۸ و شماره موتور ۴۳۰۵۱۸۷ و شماره شاسی S1412290200859 به نام **محمد علی خطیب** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز **خودرو پژو ۴۰۵ جی ال ایکس** رنگ نقره ای متالیک مدل ۱۳۸۴ به شماره پلاک ایران ۲۰_۲۱۸ ق ۵۳ و شماره موتور ۱۲۴۸۴۰۱۶۶۸۲ و شماره شاسی ۱۴۲۰۹۴۷۷ به نام **علی عنایتی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز **خودرو تیبا ۲** رنگ سفید مدل ۱۴۰۰ به شماره پلاک ایران ۳۰_۲۱۳ ل ۸۲ و شماره موتور ۹۱۲۴۰۴۱/M۱۵ و شماره شاسی NAS821100M1296487 به نام **طاهره خزائی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

ادامه از صفحه اول

پوپولیسم مرده است؟

این دولت‌های ضعیف قادر نیستند دموکراسی را تهدید کنند و از سوی دیگر توان توسعه سیاسی و نهادینه‌کردن دموکراسی و جامعه مدنی را ندارند؛ از این‌رو است که جامعه مدنی همواره بین این دو تضاد یا دو گسل واقع شده است. هر زمان وضعیت اقتصادی مردم مطلوب باشد، این تناقض‌ها بروزی آشکار نخواهند داشت، برای مثال در گسل بین دولت احمدی‌نژاد و دولت خاتمی، مردم توانستند بر تناقض‌های موجود غلبه کنند و در شرایطی نه‌چندان مطلوب در سال ۹۲ دست به انتخاب دولت روحانی بزنند؛ چراکه هنوز کالبد نیمه‌جانی از جامعه مدنی باقی مانده بود و همین امر باعث شد اصلاح‌طلبان که بیش از هر جناح دیگری دغدغه صیانت از جامعه مدنی را داشتند، به پیروزی دست یابند. اما اصلاح‌طلبان فرصت‌های به‌دست‌آمده در دولت خاتمی و روحانی را هدر داده و نتوانستند یک «بلوک تاریخی» ایجاد کنند. از اینجا می‌خواهم به یکی دیگر از تعابیر گرامشی، بلوک تاریخی (Historical Bloc) بپردازم. به تعبیر گرامشی، طبقه‌ای که در پی بلوک تاریخی‌شدن است، باید مدیریت در حوزه تولید را نیز به دست گیرد. این گفته به‌معنای دقیق کلمه می‌توانست بعد از خرداد ۷۶ رخ بدهد، البته گرامشی نمی‌خواهد بگوید اقتصاد زیربنا و جامعه مدنی رو بنا است بلکه مهم‌تر از آن، او باور دارد باید مناسبات اجتماعی جامعه مدنی با مناسبات تولید در هم آمیزد. اگر این تعبیر را بپذیریم، به خطای فاحش اصلاح‌طلبان در حمایت از روحانی پی خواهیم برد؛ چراکه دولت روحانی هرگز به اصلاح‌طلبان اجازه نداد به معنای واقعی برنامه‌های کلان اقتصادی را تنظیم و راهبردی کنند، با اینکه آنان به اقتصاد بازار آزاد باور داشتند و با دولت روحانی هم‌داستان بودند اما اصلاح‌طلبان داخل دستگاه دولت به شرکای صنفی دولت تقلیل پیدا کردند. عملکردی که هم تیشه به ریشه اصلاح‌طلبان زد و هم به دولت روحانی. اصلاح‌طلبان و دولت روحانی در یک هم‌پیمانی استراتژیک باید توان اجتماعی خود را با درهم‌آمیزی منافع طبقاتی خودشان با منافع طبقات دیگر شکل بدهند تا هژمونی‌شان قدرت گیرد. دولت روحانی چنین فرصتی ایجاد نکرد و چهره‌های اصلاح‌طلب راه‌یافته به دستگاه دولت، به شرکای صنفی دولت تبدیل شده و برای کسب منافع حداکثری به دام کشمکش‌های صنفی، اقتصادی و رانتی افتادند. عملکرد برخی وزرا و مدیران رده‌بالای اصلاح‌طلبان داخل دستگاه دولت این‌گونه بود که وقت را غنیمت شمردند برای بهره‌برداری. از سوی دیگر انفعال اصلاح‌طلبان خارج از قدرت در برابر این وضعیت موجب شد دیگر آنان نتوانند نماینده واقعی نیروهای اجتماعی باشند. البته این راهی است که اغلب دولت‌ها خواسته یا ناخواسته آن را پیموده‌اند. اینجا پاشنه آشیل همه دولت‌های بعد از انقلاب است؛ پاشنه آشیلی که آنان را درنهایت به سمت دولت‌های پوپولیستی البته با شیوه‌های متفاوتی از یکدیگر رهسپار می‌سازد. اگر پوپولیسم را ساده‌سازی ایده‌های اقتصادی و سیاسی بگیریم، تقریبا دولت‌های بعد انقلاب با درجاتی متفاوت از این شیوه سود جسته‌اند و پس از شکست ایده‌هایشان به‌جای توضیح و تبیین شکست‌هایشان به فرافکنی روی آورده و برای جلب توجه رأی‌دهندگانشان به ستایش مردم پرداخته‌اند. به‌ندرت دولت یا جناح چهره‌های سیاسی نسبت به توده‌های مردم رویکردی انتقادی داشته است. اغلب دولت‌ها ستایشگران عقل سلیم و مردم بوده‌اند: «... همه مردان و زنان پندارهایی درباره جهان و مجموعه‌ای از باورها دارند که آنان را قادر به ادراک زندگی‌شان می‌کند اما شیوه‌ای که بسیاری از مردم، جهان را از رهگذر آن درک و تصور می‌کنند و فلسفه حیات روزمره‌شان اغلب متناقض و گیج‌کننده است و شامل دیدگاه‌ها و باورهایی است که از منابع مختلف از گذشته جذب و دریافت کرده‌اند و میل آن دارد که آنها را به پذیرش نابرابری و ستم چون اموری تغییرناپذیر و طبیعی مجاب کند». دولتِ پوپولیست‌ها و دولت‌هایی که از سر ناگزیری به این شیوه روی آورده‌اند، در کار اثرگذاری بر عقل سلیم‌اند تا از رهگذر آن خطاهایشان را پوشیده نگاه دارند؛ اما کارکرد اساسیِ سوءاستفاده از عقل سلیم، دوقطبی‌سازی در دورهِ انتخابات است که تاکنون بارها از این شیوه استفاده شده است. شیوه‌ای که گویا کارکرد خودش را از دست داده است؛ چراکه «اگر عقل سلیم حوزه‌ای است که در آن ایدئولوژی مسلط برساخته می‌شود اما حوزه مقاومت در برابر آن ایدئولوژی نیز محسوب می‌شود». به نظر می‌رسد وضعیت کنونی اقتصادی کشور در این مرحله از عقل سلیم قرار دارد و هرگونه تلاش برای دوقطبی‌سازی یا چندقطبی‌سازی بی‌نتیجه خواهد ماند و کارکردی همچون گذشته نخواهد داشت. جناح‌ها و چهره‌های سیاسی ناگزیرند برای جلب آرای مردم راه دیگری را برگزینند؛ راهی که حتی اگر به پیروزی نرسد، آلوده به اغراض پوپولیستی نباشد. آیا امروز پوپولیسم مرده است؟ بعید می‌دانم. پوپولیست‌ها در سیاست از بین نخواهند رفت. براین اساس ناگزیریم به یک سؤال اساسی‌تر پاسخ بدهیم؛ پس چرا اغلب تحلیلگران در صورت حضور احمدی‌نژاد یا نماینده او، پیروزی‌شان را در انتخابات قرین به موفقیت می‌بینند. این نکته به بحث دیگری دامن می‌زند و صرفا برای مبهم‌نماندن این موضوع فقط به این نکته اشاره می‌کنم که اگرچه احمدی‌نژاد دستش برای مردم رو شده است و بی‌پایه‌بودنِ شعارهای انتخاباتی‌اش مُسلّم، اما این‌بار او نه به خاطر وعده‌هایش بلکه برای ارضای خشمِ کورِ مردم و سوءاستفاده از آن پا به میدان خواهد گذاشت... .

مطالب داخل گیومه از کتاب «درآمدی بر اندیشه‌های سیاسی»، آنتونیو گرامشی/ اجر سایمون، ترجمه محمداسماعیل نوذری است.